

## جواب به یک دکتر وهابی

پاسخ علمی آیت الله سبحانی به ادعای گستاخانه دکتر سلمان العوده ...



پاسخ علمی آیت الله سبحانی به ادعای گستاخانه دکتر سلمان العوده  
دکتر سلمان العوده در مقاله‌ای که به بهانه عید سعید فطر در روزنامه الجزیره منتشر کرد، در تعرضی به عید سعید غدیر، این عید بزرگ الهی را، هم‌ردیف اعیاد دیگر مذاهب و ادیان در زمره عید کافران معرفی نمود، روزنامه الجزیره عربستان در شماره 12799، مقاله‌ای از دکتر سلمان العوده به نام عید سعید فطر منتشر نمود که در آن، این جمله‌ها آمده بود: عیدهای ملت‌های کافر، مربوط به امور دنیوی آنهاست، مثلاً روزی که دولتی پدید می‌آید، یا دولتی سقوط می‌کند، یا حاکمی منصوب می‌گردد یا پادشاهی تاجگذاری می‌کند، و گاهی مربوط به فصول سال است، مانند اول بهار و نظیر آن. بیهود نیز برای خود اعیادی دارند و مسیحیان نیز اعیادی دارند، و یکی از اعیاد آنان، عید روز پنجشنبه‌ای است که در آن، مائده‌ای از آسمان برای عیسی مسیح و حواریین او فرود آمده است، و همچنین دیگر عیدها و شیعیان نیز اعیادی دارند، مانند عید غدیر که فکر می‌کنند! پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله علی‌علیه‌السلام را در آن روز برای خلافت نصب فرمود. (1)

در پی انتشار این مقاله آیت الله سبحانی به نقد آن و پاسخگویی به آن پرداخته و فرمودند:  
سلمان بن فهد العوده از وهابیان متعصب دیرینه است که اخیراً از مواضع تند خود توبه کرده و رویکرد ملایمی به خود گرفته و در مقالات و خطبه‌های خود تکفیر و خشونت را نکوهش کرده است، و چنین وانمود کرده است که از این به بعد به ترویج خشونت نمی‌پردازد و به وحدت کلمه کمک خواهد کرد، ولی متأسفانه در این مقاله، عهد را شکسته و پیمان را نادیده گرفته است و به مواضع پیشین خود بازگشته و به مفهوم العوده که نام فامیل او است، تحقق بخشیده است. ما نظر ایشان را به چند نکته جلب می‌کنیم:  
1. او می‌گوید: ملت‌های کافر، روزهایی را عید می‌گیرند، مانند تاسیس دولت یا سقوط آن، ایشان با این جمله، به اکثریت ملت و دولت عربستان اهانت کرده و آنان را کافر شمرده است، زیرا همین دولت و ملت سال 1419 قمری را به عنوان یکصدمین سالگرد تاسیس دولت سعودی جشن گرفتند و از همه جای جهان، شخصیت‌ها را به ریاض دعوت کردند و به این دولت تبریک گفتند. آیا ملک فهد که در رأس این دعوت بود و مشایخ و علمایی که در آن مراسم حضور داشتند، همه کافر بودند.  
عیدهای ملت‌های کافر، مربوط به امور دنیوی آنهاست، مثلاً روزی که دولتی پدید می‌آید، یا دولتی سقوط می‌کند، یا حاکمی منصوب می‌گردد یا پادشاهی تاجگذاری می‌کند، و گاهی مربوط به فصول سال است.

2. می‌گوید: یکی از اعیاد مسیحیان، عید پنجشنبه آخر سال است که در آن مائده آسمانی بر مسیح و حواریان نازل شده است. بسیار جای تأسف است که در ام‌القری، و مرکز نزول وحی الهی، عید گرفتن چنین روزی، را چون عید کافران شمرده می‌شود، در حالی که قرآن، این عید را نتیجه دعا و درخواست حضرت مسیح از خداوند بزرگ می‌داند و می‌فرماید: قال عیسی بن مریم اللهم ربنا انزل علینا مائدة من السماء تکون عیداً لاولنا و آخرنا و آية منک و ارزقنا و انت خیر الرازقین، مائده/ 114. عیسی فرزند مریم گفت: بارالها پروردگارا از آسمان خوانی برای ما فرود آورد تا عیدی برای اول و آخر ما باشد و نشانه‌ای از جانب تو، و ما را روزی ده که تو بهترین روزی دهنده‌گانی.

البته مسیحیان، هرچند از نظر قرآن، امت کافر هستند، ولی این سبب نمی‌شود همه اعمال آنان را حتی عیدی را که حضرت عیسی بن مریم برای آنان تا روز قیامت به رسمیت شناخته است، انکار کنیم.

3. او، عید غدیر را در ردیف عیدهای کافران شمرده و عملاً یک چهارم مسلمانان را که شیعیان باشند، کافر خوانده است. با این کار، عهد و پیمان خود را شکسته است. فرض کنید عید غدیر، عید اسلامی نبوده و بدعتی بیش نباشد، ولی آیا با یک بدعت گروهی از دایره اسلام خارج شده و از امت‌های کافر به شمار می‌آیند!

اصولاً ارزان‌ترین و رایج‌ترین کلمه در میان وهابیان، اتهام شرک و کفر و بدعت و خروج از دین است. تو گویی ملاک شرک و توحید و کفر و ایمان در دست آنان است که خود را موحد و مومن و دیگران را مشرک و کافر بخوانند. وی اگر از تاریخچه غدیر آگاه بود، و از گفتار پیامبر در آن روز، اطلاع صحیحی داشت، شاید این جمله را نمی‌گفت. حدیث غدیر را 120 صحابی و 84 تابعی و 360 عالم سنی نقل کرده‌اند و خداوند، در آن روز برای علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام مقام و منصبی را عطا فرمود که سرانجام پیامبر به یاران خود فرمودند: همگی برخیزید و با علی به عنوان امیر مومنان سلام بگویید و بیعت کنید. فرمودند: سلماوا علی علی بامرة المومنین.  
حتی در میان صحابه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، شیخین، علی علیه‌السلام را با این جمله مورد خطاب قرار دادند: بخ بخ لک یا ابالحسن

لقد اصبحت مولای و مولی کل مومن و مومنة. مبارک باد! ای ابالحسن تو سرور من و سرور هر مرد و زن با ایمان شده‌ای! تبریک گویی صحابه را در آن روز، شصت تن از علمای اهل سنت، نقل کرده‌اند. و امام صادق علیه السلام از پدران و نیاکان خود نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: روز غدیر از بهترین اعیاد امت من است، و آن روزی است که خدا به من فرمان داد تا برادرم علی را به عنوان پیشوای امت نصب کنم تا پس از من به وسیله او رهبری شوند و آن روزی است که خدا دین خود را تکمیل کرد و نعمت خود را بر امت من به پایان رساند و اسلام را به عنوان یک دین برای آنان برگزید. (2)

روز غدیر از بهترین اعیاد امت من است، و آن روزی است که خدا به من فرمان داد تا برادرم علی را به عنوان پیشوای امت نصب کنم تا پس از من به وسیله او رهبری شوند و آن روزی است که خدا دین خود را تکمیل کرد و نعمت خود را بر امت من به پایان رساند و اسلام را به عنوان یک دین برای آنان برگزید.

شایسته گفتار است که طارق بن شهاب از اهل کتاب، به عمر بن خطاب، به عمر بن خطاب گفت: اگر آیه الیوم اکملت لکم دینکم برای ما نازل می‌شد، روز نزول آن را عید می‌گرفتیم. این سخن را گفت و عمر بن خطاب و کسانی که در آن مجلس بودند، به او اعتراض نکردند. (3) خوشبختانه در هر روزگاری که فشار اموی‌ها و عباسی‌ها از بین می‌رفت، امت اسلامی، آن روز را عید می‌گرفتند و در لابلای تاریخ، به این مطلب، اشاراتی هست:

1. ابن خلکان در ترجمه المستعلی ابن المستنصر عباسی می‌گوید: روز عید غدیر خم روز هیجدهم ذی‌الحجه از سال 487 مردم با او بیعت کردند.

2. او در ترجمه المستنصر بالله می‌گوید: وی در شب پنجشنبه، در هیجدهم ذی‌الحجه سال 487 درگذشت، آنگاه اضافه می‌کند: و آن همان شب عید غدیر خم است. (4)

3. مسعودی پس از ذکر حدیث غدیر می‌نویسد: فرزندان علی و شیعیان این روز را بزرگ می‌شمارند. (5)

4. ثعالبی پس از ذکر شب غدیر می‌گوید: این همان شبی است که در روز آن، رسول خدا صلی الله علیه و آله در غدیر خم بر روی جهازهای شتر سخنرانی کرد.

در هر حال، در روز غدیر به اتفاق امت، حادثه مهمی اتفاق افتاده زیرا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آن روز کاروان‌های حج را متوقف نمود و سخنان تاریخی خود را بیان کرد. آیا تجدید این خاطره که به امر خدا انجام گرفته است، عین توحید است یا شرک، و حفظ سنت است یا محو سنت! کسی نمی‌گوید که در روز غدیر باید فطره داد یا نماز عید را خواند، هر چه هست، یک نوع اظهار شادمانی برای این مقام و موقعیتی است که به یکی از بزرگ‌ترین یاران پیامبر اعطا شد. به راستی باید گفت: اصولاً هیچ نوع معیاری برای خطیبان حرمین شریفین و نویسندگان این دو منطقه وجود ندارد و نباید هم باشد زیرا از دم، خمار دلارهای نفتی هستند و فکر می‌کنند در پیشگاه خدا حسابی نخواهند داشت! وسیع‌مومن من اصحاب الصراط السوی و من اهتدی.

1. روزنامه الجزیره، مورخ 2 شوال 1428، به نقل از سایت راصد.

2. شرف النبی، نگارش ابوسعید خرگوشی نیشابوری (د. 407).

3. طبری، ج 6، ص 46؛ ابن کثیر، ج 2، ص 13. عبارت او این بود: لاتخذنا یوم نزولها عیدا.

4. وفیات الاعیان، ترجمه المستعلی و المستنصر.

5. التنبیه و الاشراف، ص 221.

منبع: تبیان